

نامه طاهره زرگر آزاد به جمعیت و درخواست آزادی فرزندش

۰۶/۱۲/۱

نامه ای از یک مادر

من مادر مسعود رقابی غلامی هستم، مسعود دانشجوی دانشسرایعالی بود. سه شنبه ۲۲ مهر ۱۳۵۴ بود که از طرف ساواک پسر را بردند شب آن روز بود که ساعت ۱۲ ریختند به منزل من همه جا را گشتند چیزی بدست نیاوردند. از آن شب من مثل مرغ سرکنده تمام روز در زندانها بودم مخصوصاً در کمیته شهربانی تا آنکه بعد از ۱۰۰ روز به من ملاقات دادند اگر به من نمی گفتند که پسر تو است من او را نمی شناختم که او چه رنگی و چه شکلی داشت نمیدانم چه بگویم و پاهای او باد کرده بود تا آنکه بعد از ۱۳ روز دیگر او را بردند به زندان قصر بعد از یکسال و هفت ماه ۱۹ روز او را بردند به زندان اوین الان که این نامه را دارم می نویسم چهارماه و بیست و سه روز است در زندان اوین بسر میبرد و ۱۲ سال برای پسرم زندانی گذاشته اند من ۵ بچه کوچکتر از مسعود دارم پدر اینها ۶۷ سال دارد و یک مرتبه انفارکتوس شده است و حالا هم مریض است و خود منم مریض هستم و من به پسرم احتیاج دارم.

طاهره زرگرآزاده